

به سوی مبنایی نظری برای انتخاب کتاب سال در حوزه ترجمه ادبی^۱

سمیه دل‌زنده‌روی^۲ و علی خزاعی‌فر^۳

چکیده

این پژوهش بر آن است تا ضمن ارزیابی انتقادی معیارهای انتخاب جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی، معیارهایی مبتنی بر مبانی نظری در مطالعات ترجمه جهت استفاده داوران برای انتخاب بهترین ترجمه ادبی در جایزه کتاب سال ارائه دهد. بدین‌منظور پس از تهیه فهرستی از کتاب‌های ترجمه‌شده برنده جایزه کتاب سال (با تمرکز بر آثار ادبی)، به روش تاریخی و با رویکرد کیفی‌کاربردی معیارهایی را که طی ۳۶ سال برای انتخاب بهترین ترجمه ادبی به کار گرفته شده از فرم‌های داوری آثار ترجمه‌شده، آیین‌نامه جایزه کتاب سال و کتاب دوجلدی *آیین دوره* استخراج کرده و پس از توصیف به ارزیابی انتقادی آنها پرداخته است. به‌علاوه با توجه به کارکردهای ترجمه ادبی، کوشیده معیارهایی کیفی تعریف کند تا راهکاری عملی برای داوران جایزه کتاب سال در بخش ترجمه ادبی باشد. در آخر سه ملاک عمده برای ارزیابی کیفی ترجمه ادبی جهت اعطای جایزه کتاب سال پیشنهاد می‌دهد: ملاک اول «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی است». این ملاک در برگه ارزیابی کتاب سال برای ترجمه متون ادبی هم مطرح شده ولی اجزای آن به درستی توصیف نشده است. ملاک دوم «حفظ و تحکیم و افزودن بر قابلیت‌های زبان بومی» است. این ملاک اصلاً در برگه ارزیابی کتاب سال برای انتخاب ترجمه ادبی برتر نیامده است. ملاک سوم «ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی» است و شامل شباهت‌های معنایی و سبکی می‌شود. این ملاک نیز در برگه ارزیابی کتاب سال به‌صورتی ناقص مطرح شده است.

واژه‌های راهنما: ترجمه ادبی، جایزه، کتاب سال، مبنای نظری، معیار

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۱ به تصویب رسید.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه مطالعات ترجمه، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران؛ پست الکترونیک: delzende.smy@gmail.com

۳. سردبیر فصل‌نامه مترجم، مشهد، ایران؛ پست الکترونیک: khazaeefar@yahoo.com

۱. مقدمه

سابقهٔ جایزهٔ کتاب سال در ایران در بخش دولتی به دورهٔ پهلوی دوم می‌رسد. این جایزه با حمایت بنیاد پهلوی با عنوان «جایزه سلطنتی کتاب سال» از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ هر سال به برگزیدگان «مسابقهٔ شاهنشاهی بهترین کتاب» اهدا می‌شد. بعد از انقلاب نیز از ۱۳۶۲ تاکنون جایزه‌ای با عنوان «جایزهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی»^۱ به کتاب‌های برگزیده اعم از تألیفی و ترجمه شده اعطا می‌شود.

بعد از انقلاب، جایزهٔ کتاب سال را معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد با همکاری مؤسسهٔ غیرانتفاعی و غیردولتی «خانهٔ کتاب» از ۱۳۶۲ هر ساله در بهمن‌ماه (هم‌زمان با دههٔ فجر) برگزار کرده است. این جایزه طی ۳۶ دوره، از ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۷، به ۲۰۳ اثر ترجمه شده تعلق گرفته که سیزده مورد آن ترجمه‌های ادبی بزرگسال بوده است. در سه دوره؛ یعنی، سی‌ام (۱۳۹۱)، سی‌وچهارم (۱۳۹۵) و سی‌وپنجم (۱۳۹۶) به هیچ ترجمه‌ای جایزه تعلق نگرفته و در دورهٔ بیست‌ونهم نیز تنها به دو ترجمهٔ قرآن جایزه تعلق گرفته است. در دورهٔ سیزدهم و سی‌وششم فقط به یک ترجمه^۲ و در دورهٔ بیست‌ودوم نیز به دو اثر ترجمه شده از عبدالله کوثری جایزه تعلق گرفته است.

توزیع و فراوانی آثار ترجمه شدهٔ دریافت کنندهٔ جایزهٔ کتاب سال

دوره/سال	کل ترجمه‌های ارسالی	ترجمه‌های ادبی برای مخاطبان بزرگسال	ترجمه‌های ادبیات کودک و ترجمه‌های غیرادبی
اول/۱۳۶۲	۲۴۶۳	۰	۷
دوم/۱۳۶۳	۵۵۷	۰	۹
سوم/۱۳۶۴	۷۲۹	۱	۵
چهارم/۱۳۶۵	۲۸۵	۰	۵
پنجم/۱۳۶۶	۴۹۳	۲	۴
ششم/۱۳۶۷	۴۷۲	۰	۱۰
هفتم/۱۳۶۸	۶۰۱	۰	۹

۱. از این به بعد با عنوان جایزهٔ کتاب سال به آن اشاره می‌شود.

۲. این در حالی است که در دوره‌های مذکور جمعاً ۱۴۶۲۱ ترجمه جهت ارزیابی به مؤسسهٔ خانهٔ کتاب ارسال شده بودند.

۸	۱	۸۳۸	هشتم/۱۳۶۹
۱۰	۱	۱۳۱۰	نهم/۱۳۷۰
۱۰	۰	۱۱۴۲	دهم/۱۳۷۱
۶	۰	۱۸۲۴	یازدهم/۱۳۷۲
۱۰	۱	۱۷۰۵	دوازدهم/۱۳۷۳
۱	۰	۱۱۷۱	سیزدهم/۱۳۷۴
۷	۱	۹۵۱	چهاردهم/۱۳۷۵
۸	۰	۱۳۳۳	پانزدهم/۱۳۷۶
۴	۰	۱۰۳۶	شانزدهم/۱۳۷۷
۲	۰	۱۶۷۵	هفدهم/۱۳۷۸
۵	۱	۲۰۹۷	هجدهم/۱۳۷۹
۴	۱	۲۳۶۳	نوزدهم/۱۳۸۰
۴	۱	۳۳۱	بیستم/۱۳۸۱
۲	۰	۱۶۹۷	بیست و یکم/۱۳۸۲
۵	۲	۲۸۷۴	بیست و دوم/۱۳۸۳
۶	۰	۲۵۳۹	بیست و سوم/۱۳۸۴
۷	۰	۲۳۲۹	بیست و چهارم/۱۳۸۵
۱۱	۰	۲۳۳۴	بیست و پنجم/۱۳۸۶
۸	۰	۴۴۰۲	بیست و ششم/۱۳۸۷
۷	۰	۴۴۹۱	بیست و هفتم/۱۳۸۸
۷	۰	۴۸۸۶	بیست و هشتم/۱۳۸۹
۲	۰	۵۴۵۵	بیست و نهم/۱۳۹۰
۰	۰	۳۷۵۰	سی‌ام/۱۳۹۱
۲	۰	۵۵۲۲	سی و یکم/۱۳۹۲
۲	۰	۵۲۲۵	سی و دوم/۱۳۹۳
۳	۱	۱۷۸۱	سی و سوم/۱۳۹۴
۰	۰	۱۷۵۱	سی و چهارم/۱۳۹۵
۰	۰	۱۳۴۷	سی و پنجم/۱۳۹۶
۱	۰	۱۱۴۷	سی و ششم/۱۳۹۷
۱۹۰	۱۳	۷۴۹۰۶	جمع کل

از آنجا که اطلاعاتی درباره ملاک‌های انتخاب آثار برگزیده در «جایزه سلطنتی کتاب» در دسترس نیست، پژوهش حاضر مطالعه خود را به «جایزه کتاب سال» بعد از انقلاب و در نهاد دولتی محدود می‌کند و جوایز غیردولتی همچون «جایزه ابوالحسن نجفی» و «مهتاب میرزایی» را بررسی نمی‌کند. این مقاله بر آن است با رویکردی تاریخی و کیفی کاربردی ضمن ارائه آمار کلی از

تعداد و نوع کتاب‌های ترجمه‌شده منتخب در جایزه کتاب سال با تمرکز بر آثار ادبی ترجمه‌شده، معیارهای انتخاب این آثار را از لابه‌لای آیین‌نامه‌ها و مستندات منتشرشده از سوی نهادهای برگزارکننده این مراسم شامل برگه‌های داوری، استخراج و بررسی و سپس، براساس مبانی نظری برگرفته از کارکردهای ترجمه ادبی، ملاک‌ها و دستورالعملی برای کمک به داوران در جهت انتخاب بهترین ترجمه ادبی پیشنهاد کند.

پیشینه پژوهش

تاکنون چند پژوهش معدود درخصوص جایزه کتاب سال در ایران انجام شده است. حسین‌بر (۱۳۸۳) فرآیند انتخاب کتاب سال و توزیع فراوانی کتاب‌های منتخب در مقایسه با کل کتاب‌های منتشرشده را فقط در نوزده دوره بررسی کرده است. طاهری‌قندهاری (۱۳۷۲) درباره جایزه کتاب سال و ارتباط آن با جایزه جهانی کتاب سال تحقیق کرده است. پژوهش «روند ارائه جایزه کتاب از آغاز تاکنون» به قلم سپهر، فانی و سیدجوادی در ۱۳۹۵ ویژگی‌های عمومی و مشترک کتاب‌های برگزیده شده از ۱۳۳۲ تا ۱۳۹۲ را بررسی کرده است. در مطالعات صورت‌گرفته تفکیکی بین آثار تألیفی و ترجمه صورت نگرفته و به‌علاوه، باینکه مبانی نظری حاکم بر روند انتخاب جایزه کتاب سال به‌خصوص بعد از انقلاب همواره محل انتقاد بوده است (پدرام، ۱۳۸۳؛ جعفری قنواتی، ۱۳۹۵؛ سپهر و دیگران، ۱۳۹۵؛ عبدالکریمی، ۱۳۹۲)، هیچ‌کدام از مطالعات مذکور این مبانی نظری را نقد و تحلیل نکرده است.

در پژوهش‌های خارجی نیز مطالعاتی که درخصوص جوایز ترجمه ادبی انجام شده، به ارزیابی معیارهای انتخاب یا ارائه راهکارهای عملی برای انتخاب اثر درخور جایزه کتاب نپرداخته‌اند. در عوض به فاکتورهای کلان همچون سرمایه‌های نمادین فرهنگی پرداخته‌اند که از اعطای این جوایز عاید نویسنده، مترجم و ناشر می‌شود و یا به نقشی پرداخته‌اند که این جوایز در پویایی و تعامل نظام ترجمه ادبی با دیگر نظام‌های ادبی در جهان داشته‌اند. نمونه این مطالعات عبارتند از: سازوکار وجهه اجتماعی: جوایز و پاداش و گردش ارزش فرهنگی اثر جیمز اینگلیش (۲۰۰۸) و «مقدس‌سازی زبان از طریق جوایز ترجمه در سوئد از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۵» اثر دال و سان (۲۰۲۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش تاریخی و با رویکرد کیفی کاربردی انجام شده است. تاریخی از آن

جهت که کوشیده است معیارهایی را که طی ۳۶ سال برای انتخاب ترجمه برتر در حوزه ادبیات به کار گرفته شده از میان اسناد و مدارک موجود استخراج کند. و کیفی از آن جهت که پس از استخراج معیارهای انتخاب کوشیده است ابتدا به توصیف این معیارها و سپس به ارزیابی انتقادی آنها بپردازد. همچنین پژوهش حاضر کاربردی است، چون با توجه به کارکردهای ترجمه ادبی، تلاش کرده است معیارهایی کیفی تعریف کند تا راهکاری عملی برای داوران جایزه کتاب سال در بخش ترجمه ادبی باشد. بدین ترتیب جامعه آماری شامل سه بخش است: اول، فهرست کتاب‌های ترجمه‌شده برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی؛ دوم، فرم‌های داوری آثار ترجمه‌شده و آیین‌نامه جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی که از طریق خانه کتاب، مؤسسه برگزارکننده جایزه کتاب در اختیارمان قرار گرفت و سوم کتاب دوجلدی *آیینه دوران* که مؤسسه خانه کتاب گزارش ۳۶ دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را در آن آورده است. سه بخش مذکور جهت ارزیابی معیارهای فعلی و ارائه راهکاری عملی مبتنی بر کارکرد ترجمه ادبی استفاده شده‌اند.

ترجمه ادبی و مطالعات ترجمه

تاکنون به نقش ترجمه در معرفی و شناساندن آثار ادبی کشورها در سطح جهانی بسیار توجه شده است. به‌عنوان مثال دمراش (۲۰۰۳، ص. ۶) معتقد است هر اثر ادبی از دو طریق پا به عرصه ادبیات جهانی می‌گذارد: اول اینکه به‌مثابه ادبیات خوانده شود دوم از طریق ترجمه؛ و نیز خوزه ساراماگو (اپل، ۲۰۰۷، ص. ۴۰) می‌گوید «نویسندگان با زبانشان ادبیات ملی را خلق می‌کنند و مترجمان با ترجمه‌هایشان ادبیات جهانی را.»

بدیهی است ادبیات جهانی زمانی خلق می‌شود که مترجم، به تعبیر دنیل هان، «همچون متن اصلی نبض حیات در آن بدمد» که این امر خود جز با خلاقیت در ترجمه پدید نمی‌آید (روسی، ۲۰۱۸، ص. ۴۲). از طرف دیگر نقش ترجمه در شکل‌دهی نظام ادبی زبان مقصد و تنوع ادبی بیشتر در سخنان اون‌زوه‌ر تبلور یافته است. وی معتقد است ترجمه در نظام ادبی مقصد، حتی اگر به پیشنهاد‌های جدیدی برای زبان مقصد منجر نشود، به تحکیم قابلیت‌های زبان بومی کمک می‌کند (اون‌زوه‌ر، ۱۹۹۰، ص. ۴۵-۵۱). پاینده نیز در سخن از نسبت ترجمه ادبی با تولید ادبیات می‌گوید «ترجمه ادبی معمولاً مقوم و نوکننده ادبیات است.» (پاینده، ۱۳۹۸، ص. ۱۵). باتوجه به این مباحث و این نکته که اعطای جوایز ادبی به ترجمه‌ها علاوه بر آنکه به سرمایه فرهنگی و نمادین اثر اصلی می‌افزاید (دال و سان، ۲۰۲۱، ص. ۶۴۲)، به مترجم و ناشر زبان مقصد

(به‌خصوص در ایران) هم منفعت نمادین و اقتصادی می‌رساند (ر.ک منصفی و دیگران، ۲۰۲۱، ص. ۵۲)، معیارهای انتخاب ترجمه ادبی برای جایزه بهتر است مبتنی بر کارکردهای ترجمه ادبی در نظام ادبی زبان مقصد باشد. با درنظر گرفتن مباحث بالا نگارندگان سه کارکرد برای ترجمه ادبی درنظر می‌گیرند که در ادامه مفصلاً شرح داده می‌شود. این معیارها عبارتند از:

۱. افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی
۲. حفظ و تحکیم و افزودن بر قابلیت‌های زبان بومی
۳. ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی

بررسی و تحلیل یافته‌ها

معیارهای انتخاب ترجمه برگزیده

در آیین‌نامه جایزه کتاب سال، در ماده ۱ (تعاریف)، بند ۶، ترجمه به‌صورت زیر تعریف شده است: «برگردان درست و دقیق کتاب از زبان‌های دیگر به فارسی». در این آیین‌نامه بعد از معرفی ارکان و ساختار، فرآیند انتخاب و روند داوری، یازده معیار^۱ بدون تفکیک بین ترجمه و تألیف، برشمرده شده است. علاوه‌براین، هم در تعریف ترجمه و هم در معیارهای یازده‌گانه، تعبیری چون «برگردان درست و دقیق»، «استحکام و زیبایی» و یا «استانداردهای ترجمه»، استفاده شده که مبهم و کلی‌اند، ضمن اینکه متون ادبی از غیرادبی متمایز نشده و بدیهی است ملاکی مثل زیبایی که در ارزیابی متون ادبی مدخلیت دارد چه‌بسا در متون غیرادبی خصوصاً علمی از نظر ادبا جایگاه چندانی نداشته باشد (سمیعی‌گیلانی، ۱۳۸۳، ص. ۴۵؛ خرمشاهی، ۱۳۷۰، ص. ۱۷). این سخن درباره ملاک دقت نیز صادق است، زیرا این ملاک در بررسی ترجمه‌های ادبی و علمی ممکن است کارکردها و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد.

در مجموعه دوجلدی *آینه دوران* نیز این ابهام در معیارهای ترجمه دیده می‌شود. در این مجموعه سیزده اثر به‌عنوان ترجمه ادبی برگزیده معرفی شده و در هشت مورد توضیحاتی^۲ درباره ویژگی‌های ترجمه‌ای اثر آورده شده است. ازجمله این هشت مورد یکی حدیث عشق در شرق

۱. جهت ملاحظه این یازده معیار به آیین‌نامه جایزه کتاب سال در وبسایت خانه کتاب مراجعه کنید.

۲. برای نمونه این توضیحات به *آینه دوران*، ج. ۱، صص. ۱۷۷، ۲۵۱، ۲۸۶، ۳۶۰، ۳۸۲، ۴۰۹ و ج. ۲، صص. ۴۸-۴۹ و ص. ۳۵۷ مراجعه کنید.

(دوره دوازدهم، ۱۳۷۳)، ترجمه جواد حدیدی و دیگری شرح مثنوی، ترجمه حسن لاهوتی (دوره چهاردهم، ۱۳۷۵) است. این دو ترجمه در معنی دقیق کلمه «ترجمه ادبی» نیستند، بلکه به ترتیب کتاب‌هایی درباره شعر و تصوف هستند و در قلمروی کلی متون علوم انسانی قرار می‌گیرند. حتی کتاب *نامه‌های پرتاب و تاب خورخه لوئیس بورخس*، ترجمه نجمه شبیری (دوره سی‌وسوم، ۱۳۹۴) نیز که ترجمه تعدادی از نامه‌های شخصی نویسنده است با اغماض ترجمه ادبی به حساب می‌آید. بنابراین لازم است که هم در اینجا و هم در دستورالعمل‌های اعطای جایزه، مقصود از ترجمه ادبی به صراحت بیان شود. بدیهی است «ادبیت» یک ویژگی زبانی است که در انواع متون به خصوص متون علوم انسانی کم‌وبیش نمود می‌یابد. برای مثال کتابی در حوزه تاریخ، تصوف یا حتی ادبیات ممکن است زبانی کم‌وبیش ادبی داشته باشد ولی خود کتاب در حوزه تاریخ یا تصوف یا ادبیات و یا در حوزه کلی علوم انسانی دسته‌بندی می‌شود. پس اگر قرار است جایزه‌ای به «ترجمه ادبی» تعلق بگیرد، مقصود از «ادبی» باید روشن شود. در این مقاله «ادبی» را در معنی خاص آن به کار برده‌ایم و منظورمان از ترجمه ادبی، ترجمه رمان، نمایشنامه یا داستان کوتاه است و این لفظ حتی کتاب‌هایی را که درباره ادبیات هم نوشته شده شامل نمی‌شود.

معیارهای پیشنهادی برای داوری ترجمه ادبی

در این بخش به شرح معیارهای داوری ترجمه ادبی که پیش‌تر از آن سخن گفتیم می‌پردازیم. این دیدگاه می‌کوشد تا حد امکان چارچوبی عینی برای بررسی ترجمه‌ها ارائه دهد. فرض بنیادین ما در بررسی اهمیت و ارزش ترجمه این است که باید نخست به کارکردهای بالقوه ترجمه ادبی توجه داشت، زیرا فقط در این صورت است که می‌توان دید هر ترجمه ادبی چقدر در کارکرد خود موفق بوده است. کارکردهای ترجمه ادبی را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد:

۱. افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی

۲. حفظ و تحکیم و افزودن بر قابلیت‌های زبان بومی

۳. ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی

کارکرد اول به انتخاب اثر برای ترجمه مربوط می‌شود. کارکرد دوم ناظر بر انتفاع زبانی است که از طریق ترجمه عاید زبان بومی می‌شود و کارکرد سوم ناظر بر حفظ اصالت و درستی و زیبایی متن اصلی است، ولی ارتباطی تنگاتنگ با دو کارکرد قبلی دارد چون اگر متنی به درستی و زیبایی به زبان بومی ترجمه نشود دو کارکرد قبلی هم چندان تحقق نمی‌یابد. در ادامه این سه کارکرد با تفصیل توضیح داده می‌شود.

افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی

بدیهی است تنوع و غنا در ادبیات بومی وقتی حاصل می‌شود که ادبیاتی غنی و متنوع از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف ترجمه شود. ترجمه ادبیات در واقع باید عرصه ترجمه ادبیات جهانی باشد (ر.ک کادرا و والش، ۲۰۲۲، ص. ۱-۲) و مترجمان با کتاب‌هایی که برای ترجمه انتخاب می‌کنند نقش عمده‌ای در جهانی‌کردن ادبیات ترجمه‌شده در فرهنگ بومی ایفا می‌کنند (الن و برنوفسکی در روسی، ۲۰۱۸، ص. ۴۸). اما در عمل، این کارکرد به دلیل موانع مختلف فرهنگی و اقتصادی و حتی سیاسی همیشه تحقق نمی‌یابد و آنچه برای ترجمه انتخاب می‌شود بیانگر تنوع و غنای ادبیات جهانی نیست. این نکته به‌خصوص در جامعه ایران اهمیت زیادی دارد چون در اینجا عوامل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ارتباط مستقیم با انتخاب کتاب برای ترجمه دارد. دلایل سیاسی گاه مانع از انتخاب کتابی برای ترجمه می‌شود. ولی مهم‌تر از آن دیدگاه جامعه کتابخوان به آثار ادبی جهانی است که طبعاً متأثر از دیدگاه فرهنگی است. معمولاً مردم یک جامعه دیدگاه یکسانی به همه فرهنگ‌ها ندارند و برخی را برتر از برخی دیگر می‌دانند، چنان‌که فی‌المثل به گفته لارنس ونوتی ترجمه ادبیات خارجی در آمریکا چندان طرفدار ندارد (ونوتی، ۲۰۰۸) و حتی در فرانسه نیز، آن‌گونه که بوردیو تحقیق کرده است ادبیات خارجی را ناشران کوچک و خرده‌پا ترجمه و چاپ می‌کنند (بوردیو، ۱۹۹۱). ایران هم از این قاعده مستثنی نیست ولی کم‌وکیف این دیدگاه فرهنگی به ادبیات جهانی موضوعی است که باید به‌طور دقیق‌تر درباره آن تحقیق شود.

آنچه اجمالاً به‌یقین می‌دانیم این است که در آغاز دوره جدید ترجمه در ایران معاصر، ترجمه آثار ادبی عمدتاً از زبان فرانسه صورت می‌گرفت چون بیشتر مترجمان آن دوره با زبان فرانسه آشنایی داشتند. بعدها مترجمان از زبان‌های دیگر هم ترجمه کردند چون حتی اگر مترجمان زبان اصلی اثر را بلد نباشند در صورت تمایل، می‌توانند از زبان میانجی ترجمه کنند، کماینکه در ایران این کار را درخصوص آثار آلمانی و روسی و ایتالیایی کرده‌اند. مسئله اصلی این است که مترجمان آثار ادبی آن فرهنگ را در خور ترجمه ببینند و بخواهند آنها را ترجمه کنند. به نظر می‌رسد در ایران تمایلی آشکار و قوی به ادبیات غربی وجود داشته و دارد، هرچند که در سال‌های اخیر تمایلی محسوس به آثار ادبی فرهنگ‌های دیگر هم دیده می‌شود ولی سلسله‌مراتب همچنان وجود دارد. برای مثال دیدگاه مترجمان ایرانی به دو فرهنگ چینی و ژاپنی یکسان نیست. برخی مترجمان ممکن است بخواهند، ولو از طریق زبان میانجی انگلیسی، آثاری ادبی از ژاپنی به فارسی ترجمه کنند ولی چنین تمایلی برای ترجمه آثار ادبی چین چندان قوی نیست. نمونه دیگر،

ترجمه ادبیات آمریکای لاتین است. قبل از اینکه رمان صد سال تنهایی گابریل گارسیا مارکز در غرب سروصدایی راه بیندازد و به جوایز جهانی^۱ دست یابد، مترجمان ایرانی استقبال چندانی از ادبیات آمریکای لاتین نکرده بودند و اساساً این فرهنگ را علی‌رغم گستردگی و غنای آن نمی‌شناختند. بنابراین نمی‌توان گفت که ترجمه این اثر به فارسی در ۱۳۵۳ و به قلم بهمن فرزانه انتخاب هوشمندانه‌ای از سوی مترجم بوده است چون مترجم، که آن را از زبان ایتالیایی هم ترجمه کرده، در واقع از سلیقه جامعه کتابخوان غرب در انتخاب کتاب تبعیت کرده و معرفی مارکز به خواننده ایرانی را نمی‌توان کاملاً مرهون تلاش او دانست. نیز وقتی که ترجمه این اثر به زبان انگلیسی آنچنان شهرتی در جامعه غرب به راه انداخته بود طبعاً ترجمه و چاپ آن در ایران با خطر عدم اقبال از سوی خوانندگان هم روبه‌رو نبود. مترجمان بعدی ایران مانند عبدالله کوثری که سراغ دیگر آثار ادبی و نویسندگان کمتر شناخته‌شده آمریکای لاتین رفتند انتخابشان بیشتر با خطر عدم اقبال روبه‌رو بود تا انتخاب کتاب صدسال تنهایی که در هنگام ترجمه از هر اثر ادبی غربی در غرب شناخته‌شده‌تر بود.

البته عامل اقتصادی هم در انتخاب کتاب بسیار دخیل است. نشر در بهترین صورت، فعالیتی اقتصادی-فرهنگی است و نه فعالیتی فرهنگی-اقتصادی چون اگر ناشر نتواند سرمایه‌اش را برگرداند نمی‌تواند به کارش ادامه بدهد و ناشران ادبی معمولاً پولشان را در زمینه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند که ریسک نداشته یا ریسک کمتری داشته باشد و آن انتشار ترجمه‌هایی است که یا نویسنده آن مشهور و پیش‌تر کتاب‌هایی از او چاپ شده و یا اینکه از آن کتاب در غرب استقبال شده است (ر.ک منصفی و دیگران، ۲۰۲۱، ص. ۵۲-۷۰). ناشران معمولاً به مخاطبان خود هم توجه دارند؛ یعنی ترجیح می‌دهند به جای ترجمه آثاری که مخاطبان نخبه و محدود دارد آثاری ترجمه کنند که مخاطبان وسیع‌تری دارند و بدین ترتیب بر تنوع ادبیات بومی بیفزایند.

نکاتی که گفته شد لزوماً درخصوص نظام ترجمه در ایران صدق نمی‌کند. چنان‌که ذکر شد برای ارائه تصویر دقیقی از کم‌وکیف آثار ادبی ترجمه‌شده در ایران و عوامل مؤثر در انتخاب کتاب برای ترجمه نیاز به تحقیقی مبسوط و خاص است ولی آنچه گفته شد نکاتی کلی است که در هر جامعه ممکن است برخی از آنها برجسته‌تر باشد و در انتخاب کتاب تأثیر بگذارد.

۱. جایزه فرانسوی بهترین کتاب خارجی (۱۹۶۹) و جایزه بین‌المللی رومولو گالگوس (۱۹۷۲)

بنابراین اولین کارکرد ترجمه افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی است و این امر وقتی تحقق می‌یابد که مترجمان خود را به فرهنگی خاص محدود نکنند و کتاب‌هایی از فرهنگ‌های مختلف ترجمه کنند. در بررسی ارزش و اهمیت یک ترجمه نیز بررسی این کارکرد بسیار اهمیت دارد و نمی‌توان ترجمه‌ای را صرفاً به‌دلیل دو کارکرد دیگر آن واجد ارزش دانست.

حفظ و تحکیم و افزودن بر قابلیت‌های زبان بومی

در این کارکرد دو واژه «حفظ» و «تحکیم» بیانگر معیار حداقلی و تعبیر «افزودن بر قابلیت‌های زبان فارسی» معیار حداکثری در قضاوت درباره ارزش و اهمیت زبان ترجمه است. به‌عبارت‌دیگر، اگر ترجمه‌ای به قابلیت‌های زبان فارسی نمی‌افزاید و پیشنهاد‌های زبانی جدیدی نمی‌دهد، دست کم باید زبان فارسی را حفظ کند و تحکیم بخشد و به زبانی پر از رنگ‌وبوی ترجمه و گرده‌برداری‌های ناشی از عدم توانایی مترجم در بهره‌برداری از امکانات زبان بومی نوشته نشود. بدیهی است تحت‌اللفظی ترجمه‌کردن به هر بهانه‌ای، مانند حفظ سبک (خزاعی‌فر، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷الف، ۱۳۹۷ب)، یا به‌دلیل ناتوانی در خلق زبانی ادبی، مترجم را به زبانی ادبی و درخور زبان کتاب یا در سطح زبان ادبی فارسی نمی‌رساند.

بنابراین حداقل انتظار از زبان ترجمه ادبی حفظ و تحکیم زبان فارسی است. تحقق همین معیار حداقلی هم چندان ساده نیست و مستلزم تسلط مترجم بر زبان و ادبیات فارسی است. اما دشواری واقعی وقتی آغاز می‌شود که مترجم مجبور است دست به خلاقیت زبانی بزند و راه‌های جدیدی در زبان و بیان ادبی باز کند. می‌دانیم که زبان همه آثار ادبی از درجه دشواری معینی برخوردار نیست. بسیاری از آثار ادبی را می‌توان بدون نیاز به تخیل زبانی ترجمه کرد. کافیست مترجم به قابلیت‌های زبان فارسی مسلط باشد. در این صورت می‌تواند آن ملاک حداقلی را تحقق ببخشد. ولی برخی آثار ادبی چنین نیستند و در زبان خود هم آثاری خلاق به حساب می‌آیند. ترجمه این آثار علاوه بر تسلط زبانی به خلاقیت زبانی هم نیاز دارد و البته منظور از خلاقیت زبانی ترجمه تحت‌اللفظی نیست؛ بلکه یافتن زبانی بینابین است که در فارسی بدیع به حساب آید و مقبول اهل زبان باشد. چنین گفت زردتشت ترجمه داریوش آشوری شاید نمونه‌ای از این نوع ترجمه باشد (خزاعی‌فر و آشوری، ۱۳۹۶، ص ۳۶-۳۷). همچنین ترجمه استاد پترزبورگ^۱ به قلم محمدرضا ترک‌تتاری را شاید بتوان نمونه‌ای از ترجمه حداقلی دانست؛ حال‌آنکه نه زبان متن

۱. برنده جایزه ادبی ابوالحسن نجفی در ۱۳۹۹

اصلی دارای ویژگی‌های خاص و نه زبان ترجمه آن از حد متعارف ترجمه ادبی فراتر رفته است. بدین ترتیب ملاک دوم به دو نوع حداقل و حداکثر تقسیم و گفته شد اگر ترجمه‌ای ملاک حداقل را تحقق بخشیده، چیزی بر داشته‌های زبان فارسی نیفزوده، اما از داشته‌های آن کم هم نکرده است. ولی اگر ترجمه‌ای ملاک حداکثر را تحقق ببخشد، در زبان فارسی، به تشخیص اهل نظر، خود متنی دارای ارزش ادبی به حساب می‌آید، چون بر داشته‌های زبان فارسی افزوده است. بدیهی است ترجمه‌ای که در آن زبان فارسی درست به کار رفته واجد ارزش است ولی مستحق دریافت جایزه برتر نیست چون در این صورت «برتری» معنی پیدا نمی‌کند.

ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی

ملاک سوم ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی است. برای بررسی این ملاک لازم است ترجمه با متن اصلی مقابله شود و هر نوع داوری درباره ارزش ترجمه بدون رجوع به اصل آن ابر است. می‌دانیم که مترجمان گاه، در بهترین حالت، چیزهایی جزئی (به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و زبانی) به ترجمه می‌افزایند یا از ترجمه حذف می‌کنند. افزودن یا کاستن گاه ناشی از ناتوانی مترجم در بازآفرینی آنهاست و گاه ناشی از ذوق زبانی مترجم. نیز می‌دانیم که ترجمه، به خصوص ترجمه ادبی، هنر بازآفرینی متن اصلی است که مستلزم خلاقیت زبانی است چون مترجم در بسیاری از مواقع تعبیراتی را منتقل می‌کند که معادلی در زبان بومی ندارند و باید شبیه‌ترین معادل را بیابد یا خلق کند. همچنین می‌دانیم که ترجمه یعنی یافتن «شبیه‌ترین» معادل (نایدا، ۱۹۶۴) و نه لزوماً معادل «دقیق»، چون معادل «دقیق» یا ممکن است وجود نداشته باشد یا لازم نباشد. بنابراین سخن از «خیانت» کردن به اتهام «دقیق» نبودن همیشه ملاک خوبی برای داوری به دست نمی‌دهد. کار داور، که لزوماً خود دستی در ترجمه دارد، تشخیص این نکته است که آیا مترجم، با توجه به متن اصلی، توانسته شبیه‌ترین معادل را بیابد یا خیر.

مشابهت در دو سطح اتفاق می‌افتد: معنایی و سبکی. منظور از شباهت، شباهت صوری و در سطح خرد نیست، بلکه در سطح کلان است، یا آنچه خزاعی فر (۱۳۹۶، ص ۵) تعادل سبکی میان دو متن مبدأ و مقصد می‌نامد. به اعتقاد خزاعی فر، سبک نویسنده «قابل انتقال» نیست، بلکه باید «سبکی شبیه به آن در زبان مقصد» خلق کرد و ارزش زبانی هر ترجمه به کیفیت این خلق بستگی دارد. بنابراین، منظور از شباهت میان متن مبدأ و مقصد، در واقع شباهت در دو سطح است: معنا و سبک. برای بررسی شباهت دو متن در سطح معنا لازم است متن ترجمه با اصلی مقابله و حذف‌ها و اضافات بی‌دلیل بررسی شود.

برای بررسی شباهت در سطح سبک لازم است داور به تأثیر سبک در سطح کلان متن توجه کند و ببیند آیا شباهت و هم‌سنگی میان سبک دو متن وجود دارد یا خیر. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، شباهت سبکی شباهت صوری نیست، بلکه سبک ترجمه ادبی باید از همان ویژگی‌های زیبایی، یکدستی، انسجام، ارزش زبانی و تأثیر نهایی برخوردار باشد که متن اصلی. هدف از ارائه طرح فوق این است که برگزارکنندگان جایزه کتاب سال ملاک‌هایی عینی و جامع برای انتخاب بهترین ترجمه در اختیار داوران خود بگذارند. بدیهی است داوران ترجمه باید خود اهل قلم باشند تا بتوانند بنابر ذوق زبانی و تسلط به زبان و ادبیات فارسی، خلاقیت‌های زبانی را درک کنند. اما داوری را نمی‌توان صرفاً به ذوق این افراد واگذار کرد، بلکه ارائه مستدل ملاک‌هایی عینی و جامع برای تشخیص می‌تواند به کیفیت این داوری‌ها کمک کند.

ارزیابی انتقادی برگه‌های داوری جایزه کتاب سال

براساس مبنایی نظری که در بالا ترسیم شد، در این بخش به بررسی انتقادی «برگه داوری کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران» می‌پردازیم. این برگه توسط دبیرخانه خانه کتاب تهیه شده و برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی منتشرشده در اختیار داوران قرار می‌گیرد و از داوران می‌خواهد که برای هر عنوان دلایل و مستندات خود را بنویسند و به هر عنوان جداگانه نمره بدهند و حاصل جمع نمرات برنده جایزه را تعیین می‌کند. لازم به ذکر است که خانه کتاب برای بررسی انواع کتاب برگه‌های داوری جداگانه‌ای طراحی کرده که همگی در چهار بخش اصلی با یکدیگر مشابهند و تفاوت آنها در امتیازهای تخصیص‌داده‌شده به هر شاخص است. همچنین در بخش اول برگه داوری ترجمه آثار کودکان به‌جای «میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب»، گزاره «ناظر به نیازهای علمی‌فرهنگی مخاطبان داخلی باشد» و به‌جای «جایگاه علمی اثر»، گزاره «کتاب مروج نکات منفی فرهنگ بیگانه نباشد» قرار دارد. برگه موردنظر ما در اینجا ویژه داوری ترجمه ادبی است که در بخش «رعایت اصول ترجمه» یک شاخص بیش از دیگر فرم‌های ارزیابی ترجمه دارد و آن «معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم» است. در ادامه به بررسی این چهار بخش می‌پردازیم:

فرم داوری ترجمه ادبی — جایزه کتاب سال

۱. اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن			
موضوع	حداکثر امتیاز	امتیاز شما	توضیح:
الف) میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب	۸		

		۸	(ب) تازگی و بداعت موضوع
		۷	(ج) جایگاه علمی اثر
		۷	(د) ارتقاء سطح فرهنگ ملی و اسلامی
۳. عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی			
توضیح:		۱۰	عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی
۲. رعایت اصول ترجمه			
		۵	(الف) انطباق با متن اصلی
		۵	(ب) استفاده از معادل‌های مناسب
		۵	(ج) رعایت یکدستی در کاربرد اصطلاحات
		۵	(د) تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف و موضوع کتاب
		۵	(ه) نوآوری در واژه‌گزینی معادل‌ها
		۵	(و) شیوایی و رسایی ترجمه
		۳	(ز) برگردان از زبان اصلی
		۳	(ح) برگردان از آخرین ویراست
		۴	(ط) معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم
۳. رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی			
		۳	(الف) نشانه‌گذاری و رعایت یکدستی در رسم الخط مصوب
		۳	(ب) رعایت قواعد دستوری و نگارشی
		۲	(ج) تنظیم پانوشته‌ها و یکدستی ارجاع و استناد
		۲	(د) فهرست‌های موردنیاز و واژه‌نامه
۴. ویژگی‌های ظاهری کتاب			
		۲	(الف) صفحه‌آرایی
		۲	(ب) طراحی جلد
		۲	(ج) نوع حروف
		۲	(د) قطع و نوع کاغذ
		۲	(ه) چاپ و صحافی

اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن

مؤلفه‌های چهارگانه این بخش از این قرار است: الف) میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب؛

ب) تازگی و بداعت موضوع؛ ج) جایگاه علمی اثر؛ د) ارتقاء سطح فرهنگ ملی و اسلامی. دو مؤلفهٔ اول هر کدام حداکثر هشت و دو مؤلفه بعدی هر کدام حداکثر هفت امتیاز دارد، بنابراین هر ترجمهٔ ادبی می‌تواند در نهایت سی امتیاز از مجموع صد امتیاز این بخش کسب کند.

در طرح سه‌بخشی پیشنهادی ما نیز یک بخش به اهمیت انتخاب اثر برای ترجمه اختصاص یافته ولی با توجه به اینکه ترجمهٔ ادبی را داوری می‌کنیم، و نه هر ترجمه یا کتاب دیگر، لازم است به کارکرد خاص ترجمهٔ ادبی (افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی) توجه داشت. علاوه‌براین، تبدیل امری کیفی، یعنی ارزش انتخاب اثری ادبی برای ترجمه، به امری کمی، یعنی دادن نمره از یک تا هشت، کاری دشوار است و از عینیت بالایی برخوردار نیست. پیشنهاد ما این است در این بخش مؤلفه‌هایی مطرح کنیم که اولاً موضوعیت دارند و با کارکرد ترجمهٔ ادبی در فرهنگ مقصد مرتبطند و ثانیاً نقشی هدایتگر دارند و می‌توانند ذهن داوران را متوجه کارکرد ترجمهٔ ادبی بکنند. با این ترتیب، براساس آنچه دربارهٔ کارکرد ترجمهٔ ادبی در فرهنگ مقصد گفتیم، مؤلفه‌های زیر پیشنهاد می‌شود تا داوران با عنایت به آنها، یکی از چهار گزارهٔ زیر را انتخاب کنند:

ترجمهٔ ادبی مذکور از حیث ادبی،

الف. ضرورت نداشته است.

ب. ضرورت خاصی نداشته است.

ج. ضرورت داشته است.

د. انتخابی بسیار ضروری، هوشمندانه بوده و با خطر عدم اقبال از سوی جامعهٔ مخاطب روبه‌رو بوده است.

به اعتقاد ما، ملاک «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی» ملاکی تعیین‌کننده و بازدارنده است به این معنی که اگر انتخاب کتابی برای ترجمه ضرورت چندانی نداشته باشد در این صورت هرچند هم ترجمهٔ آن خوب باشد نمی‌توان آن را ترجمه‌ای ارزشمند دانست چون، چنان‌که گفتیم، یکی از کارکردهای اصلی ترجمهٔ ادبی افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی است و اگر ترجمه‌ای این مهم را محقق نسازد طبعاً فاقد این کارکرد خواهد بود. بدین ترتیب اعمال این ملاک حکم غربالگری اولیه را خواهد داشت و فقط ترجمه‌هایی به مرحلهٔ بعدی راه می‌یابند که انتخاب آنها برای ترجمه از منظر داور کارشناس ضروری (ج یا د) تشخیص داده شود. و اما مؤلفه‌های انتخاب اثر برای ترجمه. مؤلفه‌های پیشنهادی خانهٔ کتاب بسیار کلی است و کمک چندانی به داور نمی‌کند. مثلاً مؤلفهٔ اول، «میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب»، بیشتر در

حوزه علوم مفید است زیرا در این حوزه نیاز به کتابی خاص در رشته‌ای خاص را می‌توان تعیین کرد. در حوزه ادبیات نیاز را باید خلق کرد و انتخاب یک اثر متفاوت می‌تواند راهی جدید در تولید ادبی در فرهنگ مقصد بگشاید. مؤلفه دیگر «جایگاه علمی اثر» است که درخصوص آثار ادبی چندان موضوعیت ندارد، زیرا ای‌بسا اثری از فرهنگی مهجور بیشتر از پرفروش‌ترین آثار بتواند به ارتقای ادبیات بومی کمک کند. باین ترتیب، با هدف هدایت ذهن داور به‌سوی ملاک‌هایی مرتبط با کارکرد ترجمه ادبی که ممیز ترجمه ادبی ارزشمند از ترجمه ادبی معمولی یا غیرارزشمند باشد، مؤلفه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. اثر انتخاب‌شده به تصدیق منتقدان ادبی در فرهنگ مبدأ ارزش ادبی بالایی داشته است.

۲. اثر انتخاب‌شده در فرهنگ مقصد نمونه چندان‌ی نداشته و لذا باعث تنوع فرهنگی و ادبی در فرهنگ مقصد می‌شود.

۳. انتخاب اثر برای ترجمه مستلزم پذیرش مخاطره عدم اقبال از سوی مخاطبین بوده است.

۴. (درمورد ترجمه‌های مجدد) اثر انتخاب‌شده با نگاه و سبکی متفاوت ترجمه شده است.

عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی. این بخش هم حداکثر ده از صد امتیاز را دارد. این ملاک کاملاً زائد و بی‌ربط است. زائد از این جهت که در ایران لازمه گرفتن مجوز انتشار کتاب، عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی است. بنابراین همه ترجمه‌های ادبی به‌ناچار این ویژگی را دارا هستند. و بی‌ربط از این جهت که از ترجمه ادبی انتظار می‌رود کارکرد ادبی، و نه لزوماً دینی، داشته باشد. ازاین گذشته، مصادیق «اخلاق» از منظر ادبیات و دین لزوماً یکسان نیست. از منظر دینی مصادیق اخلاق ممکن است به کلماتی خاص محدود باشد حال‌آنکه از منظر ادبی اخلاق از حد کلمات فراتر رفته و مفاهیم را دربرمی‌گیرد.

رعایت اصول ترجمه. اجزای این بخش و امتیازات مربوط عبارت است از: (۱) انطباق با متن اصلی (پنج امتیاز؛ ۲) استفاده از معادل‌های مناسب (پنج امتیاز؛ ۳) رعایت یکدستی در کاربرد اصطلاحات (پنج امتیاز؛ ۴) تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف و موضوع کتاب (پنج امتیاز؛ ۵) نوآوری در واژه‌گزینی معادل‌ها (پنج امتیاز؛ ۶) شیوایی و رسایی ترجمه (پنج امتیاز؛ ۷) برگردان از زبان اصلی (سه امتیاز؛ ۸) برگردان از آخرین ویراست (سه امتیاز) و (۹) معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم (چهار امتیاز). لازم به ذکر است امتیازهای در نظر گرفته‌شده برای این بخش در

موارد ۱ تا ۷ نسبت به دیگر فرم‌های داوری ترجمه کمتر است (در فرم‌های دیگر این بخش شش (متون علمی) و هفت (کتاب کودکان و کتاب‌های عمومی) امتیاز دارد).

از موارد فوق، (۲) و (۳) و (۵) و (۸) بیشتر در ترجمه متون علمی اهمیت دارد تا ادبی. سایر موارد در ارزیابی ترجمه ادبی مدخلیت و اهمیت دارد ولی امتیاز تخصیص داده شده بسیار ناچیز است. برای مثال، به دو ویژگی «انطباق با متن اصلی» و «تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف» هر کدام پنج از صد امتیاز اختصاص داده شده و نیز دو ویژگی «برگردان از زبان اصلی» و «معرفی کتاب و مؤلف و مقدمه مترجم» اگرچه در ترجمه ادبی اهمیت دارد اما نقش بازدارنده ندارند، یعنی نمی‌توان ترجمه‌ای ادبی را به صرف اینکه از زبانی غیر از زبان اصلی ترجمه شده و یا اینکه مترجم بر ترجمه‌اش مقدمه‌ای ننوشته از گردونه رقابت خارج کرد. چنان‌که گفته شد، در بررسی ارزش ترجمه ادبی، مهم‌ترین سؤال این است که آیا مترجم توانسته «شبه‌ترین» متن به متن اصلی را از لحاظ معنایی و سبکی در زبان مقصد خلق کند یا نه.

رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی. این بخش دارای چهار جزء و در مجموع ده امتیاز دارد: (۱) نشانه‌گذاری و رعایت یکدستی در رسم‌الخط مصوب؛ (۲) رعایت قواعد دستوری و نگارشی؛ (۳) تنظیم پانوشت‌ها و یکدستی ارجاع و استناد؛ (۴) فهرست‌های موردنیاز و واژه‌نامه. در اینجا نیز برخی ویژگی‌های ذکر شده یعنی موارد (۳) و (۴) بیشتر برای متون علمی صادق است. اما، به‌طور کلی، «رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی»، بسیار اهمیت دارد. در واقع فرض بر این است مترجم ادبی با این اصول آشناست و آنها را رعایت می‌کند چون ترجمه ادبی شاید دشوارترین و خلاقانه‌ترین نوع متن باشد. لذا مترجمی که این اصول را بی دلیل نقض می‌کند معلوم است که صلاحیت ترجمه ادبی ندارد. حال فرض کنیم مترجمی این اصول را رعایت نکرده در این صورت فقط امتیاز مربوط به این بخش (حداکثر ده امتیاز) از دست می‌دهد، حال آنکه چنین مترجمی اساساً صلاحیت ترجمه ادبی ندارد.

ویژگی‌های ظاهری کتاب. اجزای این بخش عبارت‌اند از (۱) صفحه‌آرایی؛ (۲) طراحی جلد؛ (۳) نوع حروف؛ (۴) قطع و نوع کاغذ، (۵) چاپ و صحافی. بدیهی است ویژگی‌های فوق‌الذکر هم ارتباطی با کارکرد ترجمه ادبی ندارد و نمی‌تواند دلیلی بر برتری ترجمه‌ای از ترجمه‌ای دیگر باشد.

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، در طرح پیشنهادی ما سه ملاک عمده برای ارزیابی ترجمه ادبی براساس کارکردهای ترجمه ادبی پیشنهاد شده است. ملاک اول، «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در

فرهنگ بومی»، در برگه ارزیابی کتاب هم مطرح شده ولی اجزای آن به درستی توصیف نشده است. ملاک دوم، «حفظ و تحکیم و افزودن بر قابلیت‌های زبان بومی»، اصلاً در برگه ارزیابی نیامده است. ملاک سوم هم «ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی» است و شامل شباهت‌های معنایی و سبکی می‌شود در برگه ارزیابی به صورتی ناقص مطرح شده است. ولی نقص عمده برگه ارزیابی این است که ارزیابی را به دادن امتیاز به ویژگی‌های مختلف وابسته کرده حال آنکه مبنای تعیین امتیاز برای این ویژگی‌ها روشن نیست. در طرح پیشنهادی ما ملاک‌های داوری کمی نیست و کیفی است، و از آن گذشته، ملاک‌های سه‌گانه پیشنهادی براساس کارکردهای ترجمه ادبی طراحی شده است، ضمن اینکه اولین ملاک که انتخاب کتاب مناسب برای ترجمه است ملاکی بازدارنده است.

منابع:

- آزادی بوگر، امید (۱۳۹۶). ادبیات جهان و ترجمه. *فصلنامه مترجم*، ۲۶ (۶۲)، صص. ۶۱-۵۷.
- پاینده، حسین (۱۳۹۸). ترجمه ادبی و نسبت آن با تولید ادبیات. *فصلنامه مترجم*، ۲۷ (۶۷)، صص. ۲۰-۷.
- پدرام، نگار (۱۳۸۳). جایزه کتاب سال به سود نویسنده است یا کتاب؟ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ۸۹، اسفندماه، صص. ۷-۱۱.
- حسین‌بر، محمد عثمان (۱۳۸۳). *ارزیابی کمی نوزده دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح‌های ملی.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۵). کتاب سال و موضوع ترجمه. *فصلنامه نقد کتاب ادبیات*، ۲ (۸)، صص. ۳-۴.
- خانه کتاب (۱۳۹۷). *آینه دوران*. تهران: خانه کتاب، ج. ۱ و ۲.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۰). مصاحبه با بهاءالدین خرمشاهی؛ ترجمه ابواب جمعی هنر ادبیات است. *فصلنامه مترجم*، ۱ (۴)، صص. ۸-۲۴.
- خزاعی فر، علی (۱۳۹۶). سبک نویسنده و سبک مترجم (۱). *فصلنامه مترجم*، ۲۶ (۶۳)، صص. ۳-۱۷.
- خزاعی فر، علی، آشوری داریوش (۱۳۹۶). گفت‌وگو با داریوش آشوری در مقام مترجم. *فصلنامه مترجم*، ۲۷ (۶۵)، صص. ۳۱-۵۶.
- خزاعی فر، علی (۱۳۹۷ الف). سبک نویسنده و سبک مترجم (۲). *فصلنامه مترجم*، ۲۷ (۶۴)، صص. ۳-۱۴.

۶۱ به‌سوی مبنایی نظری برای انتخاب کتاب سال . . .

خزاعی‌فر، علی (۱۳۹۷). سبک نویسنده و سبک مترجم (۳). *فصلنامه مترجم*، ۲۷ (۶۵)، صص. ۱۲-۳.
سپهر، فرشته، فانی، کامران، و حسینی جوادی، زهرا (۱۳۹۵). روند ارائه جوایز کتاب در ایران از آغاز تاکنون. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۷ (۳)، صص. ۵۶-۴۱.

سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۳). *نگارش و ویرایش*. تهران: سمت.

طاهری قندهاری، فرزانه (۱۳۷۲). انتخاب کتاب سال و جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه کتاب*، ۴ (۴)، صص. ۵۶۳-۵۵۶.

عبدالکریمی، بیژن (۱۳۹۲). جایزه متأثر از قدرت سیاسی قابل اعتنا نیست، *آسمان*، ش ۱، شنبه ۲۶ بهمن. برگرفته از: <http://abdolkarimi.blogfa.com/post/131>

منصفی، رویا، یل‌شرزه، رضا و سلمان‌پور، علی. (۲۰۲۱). ترجمه ادبیات غرب در ایران: معیارهای ناشران ایرانی برای گزینش و انتشار آثار ادبی. *فصلنامه مطالعات ترجمه ایران*، ۱۸ (۷۱)، صص. ۷۰-۵۲. برگرفته از: <https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/767>

Appel, A. M. (2007) "Out of the Shadows: Unionizing in Rome." *The ATA Chronicle* 36(10), pp. 38-44.

Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power*. Cambridge: Polity Press.

Cadera, S. M., & Walsh, A. S. (2022). "Chapter 1 Retranslation and Reception – a Theoretical Overview". In *Retranslation and reception*. Leiden, The Netherlands: Brill. doi: https://doi.org/10.1163/9789004517875_002

Dahl, A. & Svahn, E. (2021). "The Consecration of Languages Through Translation Awards in Sweden (1970-2015)." *Meta*, 66(3), 642-664. <https://doi.org/10.7202/1088354ar>

Damrosch, D. (2003). *What is world literature?* Princeton NJ: Princeton University Press.

English, J. (2008). *The economy of prestige: Prizes, awards, and the circulation of cultural value*. Cambridge, MA and London, England: Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674036536>

Even-Zohar, I. (1990). "The Position of Translated Literature within the Literary Polysystem." *Poetics Today*, Vol. 11, No. 1, Polysystem Studies (Spring, 1990), pp. 45-51.

Nida, E. A (1964). *Toward a science of translating*. Leiden: E. J. Brill.

Rossi, C. (2018). "Literary Translation and Disciplinary Boundaries: Creative Writing and Interdisciplinarity". In K. Washbourne, & B. Van Wyke (Eds.), *The Routledge handbook of literary translation* (pp. 42-57). London: Routledge.

Venuti, L. (2008). *The translator's invisibility: A history of translation*. London: Routledge.